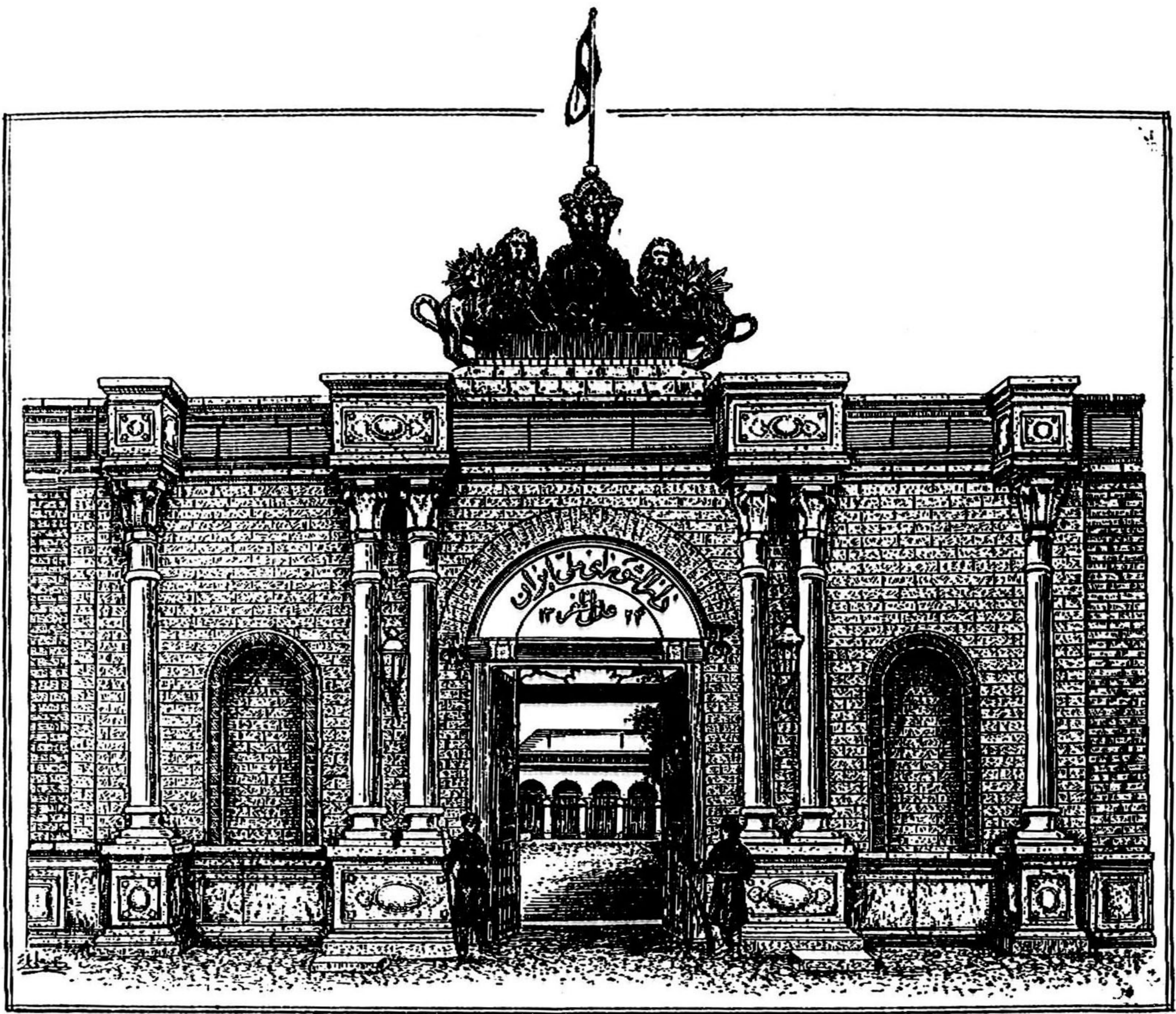


جلسه ۴۵	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره یازدهم
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجم شبه اول دیماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۷ جمادی الثانی ۱۳۴۵	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس	قیمت اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان » قیمت تک شماره يك قران

فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تقیه شور نسبت بخر کمسیون بودجه راجع بفروش خالصجات	۱۹۸	۲۰۸
۲	تقدیم لایحه اضافات بودجه ۱۳۰۵ مملکتی از طرف آقای وزیر مالیه و توضیحات نسبت به اداره ارزاق	۲۰۸	۲۰۹
۳	تصویب دو فقره مرخصی آقایان مفتی. روحی.	۲۱۰	—
۴	قرائت خبر شعبه دوم اسبست بانتخابات کرمان و نمایندگی آقای حاج میرزا مرتضی	۲۱۱	۲۱۲
۵	اخذ رای اسبست به دو شوری بودن لایحه فروش خالصجات و تصویب آن	۲۱۲	۲۱۵
۶	ختم شور کلی لایحه فروش خالصجات	۲۱۶	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه پنج شنبه اول دیماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۷ جمادی الثانیه ۱۳۴۵

جلسه ۴۵

نایب رئیس -- نسبت بصورت مجلس ابرادی نیست .
 تصویب میشود .
 نایب رئیس -- بقیه شور در کلیات خبر کمیسیون

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست
 آقای شریعت زاده نایب رئیس تشکیل گردید)
 (صورت مجلس سه شنبه بیست و نهم آذرماه را
 آقای ضیاء قرائت نمودند)

بودجه راجع بفروش خالصجات مطرح است. آقای روحی
یک نفر از نمایندگان - حاضر نیستند.

نایب رئیس - آقای فهیمی

میرزا خلیل خان (فهیمی) - موافقم.

نایب رئیس - درستون مخالف نوشته اید. آقای
بامداد هم درستون مخالف اسم خود را نوشته اند در صورتیکه
موافقت. آقای میرزا صادق خان خواجوی

میرزا صادق خان (خواجوی) - بنده موافقم

بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست مذاکرات
کافی است.

آقای سعید یعقوب - بنده مخالفم. مسئله باین مهمی
را نمیشود حرف نزد

نایب رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده مخالفم.

نایب رئیس - بفرمائید

دادگر - لازم است عرض کنم که بنده با فروش
خالصجات مخالف نیستم ولی نظریاتی در تنظیم لایحه دارم
که ناچارم بعضی از آنها حالا عرض کنم و بعد در مواد
بقیه را بنوبه خودش عرض خواهم کرد. اولاً تعریفی که
در اینجا از خالصه شده بنظر بنده جامع نیست یکفروضی
دارد که آن فروض در اینجا رعایت نشده. در تبصره
ماده اول مینویسد:

خالصه دولت اولاً با مالکی اطلاق میشود که از اول
مشروطیت تا کنون در تصرف دولت بوده و از آنجا
بهره برداشته باشند کانه اگر از آن تاریخ تا این زمان
دولت يك ملكی را متصرف باشد دیگر دعوائی بر علیه
او مسموع نیست و همینقدر که واجد این صفت شد
خالصه مطلق دولت است و هر کس هم در این ایام تظلمی کرده
است و نتوانسته است تظلم خود را بیابان رساند این حق

از او ساقط میشود. بنظر بنده این حق ساقط نمیشود. و
اگر قانون مرور زمان را هم در نظر بگیریم باز فرصت و
فاصله میخواهد در مرور زمان هم دعاوی مطرحه بقوت
خود باقی میماند. یکی دیگر اینکه مسئله که بنظر بنده
خیلی دقیق است و مدتها است بحث میشود این است که
کارها و دعاوی و اختلافات مابین مردم و دولت در کجا
باید تعقیب شود؟ لوابی هم بمجلس میآید و میرود ولی
این فکر هنوز مشوش است و خانه پیدا نکرده است.
اینجا مینویسد محاکم قانونی. چرا صریحاً نوشته نشده
است عدلیه؟ بنده مخصوصاً از آقای مخبر تقاضا میکنم
که یکطوری بنویسند که استعاره نباشد واضحاً بفرمایند
(عدلیه). این همان موضوع بحث و اختلافی است که در
بین بوده و باز در تحت يك لفافی گذاشته میشود و من بعد در موقع
حاجت بر میخورم بيك اشکالاتی. باید صریحاً نوشت (عدلیه)
یا محکمه دیگر که بالاخره مرجع معین باشد کجا است و
در موقع ضرورت بآنجا مراجعه شود.

یکی دیگر این است که تکلیف ضمان درك این کار و
بالاخره دعاوی که تالی بر این املاک میشود مرجعش کجا
است؟ ملك خالصه را بنده خریدم مستحقاً للغير بیرون
آمد. اقامه دعوی شد. کجا بروم ادعا کنم و استیفای حق
خود را بکنم؟ محاکمات مالیه بروم! محکمه عدلیه بروم! بچه
طریق و بچه وسیله استیفای حق خودم را بکنم! چون ضمان درك
از طرف دولت معین نیست این هم از مطالبی است که مکتوم است.
مسئله دیگر معکوس این است که اگر بین دو نفر تباخی
شد و بطور خفا قراری دادند و در محاکم عدلیه بتوافق و
تباخی یکی از اینها دیگری را ذی حق معرفی کرد حامی
دولت کیست؟ وکی حفاظت میکند این تباخی را که بضرر
دولت تمام نشود؟ بنظر بنده در اینجا نواقصی هست و خوف
این هم هست که چون این لایحه يك شوری است اگر بهمین
ترتیب بگذرد يك مشکلاتی برای مردم از یکطرف و برای
دولت از طرف دیگر تولید میشود. بنده این چند مسئله
که عرض کردم از يك نگاه اجالی باین لایحه بود چون

در کمیسیون هم نبوده ام. خواهشمندم اگر این لایحه يك شوری
است لا اقل آقایان بفرمایند مذاکرات کافی است. بگذارند
حرف بزینم و معلوم شود چه نواقص و معایبی در این لایحه
هست. و بالاخره از آقای مخبر تقاضای کنم که این سه
چهار نقطه نظری که بنده داشتم و عرض کردم توضیح
بدهند که چه فکری برای آنها کرده اند؟ این کلمات ماسکه
است. محاکم قانونی کجا است؟ بالاخره مرجعش کجا
است؟ این کلمات را شما حالا میگوئید ولی فردا اسباب
زحمت خواهد شد و بالاخره دعاوی و ضمان درك دولت در
اینجا بطور است و کی آنرا تأمین میکنند؟ توضیح بدهید
که ما بالاخره قناعت فکر پیدا کنیم.

بعضی از نمایندگان صحیح است.

نایب رئیس - آقای نظامی

میرزا بدالله خان (نظامی) - چون در جلسه قبل
نماینده محترم آقای سلطان محمد خان عامری که عضو مهم
خالصه و مالیه بودند بنده را شاهد قرار داده و مطلع
در خالصجات مرکز تصدیق و معرفی نمودند این است که
بنده از تاریخ هزار و سیصد و بیست و چهار که مرحوم
اقبال الدوله وزیر خالصجات بودند تا امروز تاریخچه
خالصجات طهران را (که نسبتاً بیشتر مورد توجه اولیای
امور بوده و در آبادی آن موافقت کامل را داشته اند)
بعرض آقایان میرسانم تا مستحضر شوند که آیا خالصجات
فروخته شود یا فروخته نشود کدام اصلح و برای مملکت
یا صرفه تر است؟ در تاریخ معروضه قسمتی از خالصجات
به قبول اشخاص معینی واگذار شده بود. در تاریخ هزار
و سیصد و بیست و پنج خالصجات برگشت نموده و قراء
خالصه را بمدت چهار الی پنجسال باهالی اجاره میدادند
و مال الاجاره هر سالی را نایب الحکومه هر بلوکی جمع
آوری مینمود و در آخر سال که مال الاجاره را دریافت
میکرد سیصد تومان نقد و سی خروار غله بنایب الحکومه
حقوق میدادند که نقداً و جنساً این حقوق در حدود ششصد
تومان میشد. متأسفانه امروزه در هر بلوک مخارج بازده

الی بیست هزار تومان. در آنسبه خالصجات سی و پنج
الی چهل هزار خروار عوائد جنسی داشت و امروز
ببازده الی بیست هزار خروار رسیده است و صدی صد
تنزل کرده است کل مخارج خالصجات طهران چهل الی
پنجاه هزار تومان بوده باین معنی قنایمی و بنایمی حد
متوسط سی هزار تومان. مخارج وزیر و اجزاء اوتقرباً
ده هزار تومان. حقوق ششصد تومان. پنج بلوک سه هزار
تومان. مخارج انبار دار طهران بگهزار تومان خانواری
و حقوق محاسب مرکزی و سایر اخراجات در حدود چهار
الی پنج هزار تومان. متأسفانه امروزه مخارج تقریباً از
اینقرار است: مخارج اداره مرکزی طهران بیست و پنج هزار
تومان. قنایمی و بنایمی و سد بستن نود و پنج هزار تومان.
قیمت بنزین و اتومبیل مفتشین و رؤساء پنج هزار تومان
بودجه محلی امناء مالیه پنج بلوک هفتاد و پنج هزار تومان
خانواری کد خدایان و میر آبان و مباشرین رود خانها
بیست هزار تومان. مخارج سن گیری و حمل بذر که در
چهار سال اخیر معین شده است پانزده هزار تومان.
فوق العاده ممیز و مفتش و علیق و فوق العاده نظامیان
مامور بلوکات هفت هزار تومان. جمع کلیه مخارج دو بیست
و چهل و دو هزار تومان یعنی همان خرجی که در حدود
چهل یا پنجاه هزار تومان بوده در تاریخ هزار و سیصد
و بیست و شش خالصجات مرکز بسه نفر اجاره داده شد
که یکی از آنها نماینده محترم آقای رئیس التجار
مهدوی است که در مجلس حاضرند باینطور که عوائد
معمولی را بدهند بعلاوه در هر سال يك عشر هم علاوه
بپردازند فقط مخارج بنایمی و قنایمی که در حدود سی هزار
تومان است بعهد دولت باشد و باقی مخارجات بعهد
مستأجر. آقا تشریف دارند و ممکن است بعد توضیح بدهند
در اوائل سنه هزار و سیصد و بیست و هفت بملاحظه
آفت وارده بمحصل مستأجرین تقاضا نمودند که عشر
اضافی را دولت صرف نظر کند. پذیرفته نشد و معامله
فسخ گردید. حضرت آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء فعلی

هر بلوکی را بدون کسر باشخاص اجاره دادند. قسمتی از مفاصا حساب آقای مهدوی که تصدیق بعرض بنده میکنند الان حاضر است بخط مرحوم حاج معین دفتر و ممکن است ارائه بدم. در آن سنه سی و هشت هزار و سیصد و پانزده خروار و یک صد و کسری عوائد خالصجات بود. در ابتدای سنه هزار و سیصد و بیست و هشت معامله مستأجرین فسخ و واگذار بکمپانی خالصجات گردید بسکه داد و قال در اطراف قضیه شد. بالاخره عمل کمپانی لغو و از کمپانی حساب خالصه را امانی نحو بل گرفتند در این موقع نسبتاً عوائد خالصجات خوب بود تقریباً در سنه هزار و سیصد و سی و سه هر قسمتی از بلوکات توسط مسیو مرنارد باشخاص زارع بمدت چهار سال اجاره داده شد کنتراهای آنها حاضر است که اگر صدتاش را مقایسه کنیم می بینیم عایدات آنها به بیست رسیده و تنزل کرده است مثلاً مردآباد و چشمه شاهی هزار و دویست خروار عمل گردش بوده کنتراش حاضر است در کیف من هست ولی امروز با سیصد و هشتاد خروار بذر و مساعده رسیده است به سیصد و پانزده خروار عایدی جنسی. قریه کرج که قریه معتبر مهمی است که در هزار و دویست خروار در اجاره خود بنده بوده است امروز عوائد او در حدود چهار صد و کسری است در صورتیکه در خود کرج سالی ششصد هفتصد هزار تومان مخارج می شود. آقای آقا سید یعقوب حاضرند میدانند بیک نفر در ماه بیست و پنج تومان حقوق میدهند گفتم این شخص چکاره است (بیک نفر خارجی بود) گفتند این مکس بران زنبور عمل است و زنبور را دست این شخص داده اند گفتم عده اش چقدر است گفتند دو کتندو بدست او داده اند و از دو کتندو یک بچه گرفته است در صورتیکه یک نفر رعیت ایرانی از یک کتندو دو تا بچه میگیرد. برای یک کتندو یادو کتندو سالی سیصد تومان بیک خارجی حقوق میدهند! حاضر است - در کرج است. کنتراهای که مسیو مرنارد داد تمامش حاضر است اگر آقایان میل دارند تمامش را ارائه میدهم. در تاریخ هزار و سیصد و

شعبه مستغلات ' بهره برداری ' مساحت املاک ' ارزاق اینها تمام شروع شد. یکی از کارهایی که این معلم فنی کرده اند چه بود؟ محصول بلوک خوار را آوردند بارزاق فروختند و بکوقت دیدند در سایر بلوکات گندمی که بدرد بذر بخورد ندارند ناچار شدند فرستادند خروارای ده پانزده تومان کرابه دادند یعنی سی هزار تومان پول دادند از قزوین و خمسه و اینها بنا کردند بگندم حمل کردن گندم را آوردند کاشتنند سال دیگر معلوم شد گندم دیم بوده است و آمده اند در آبی زار کاشته اند سبز نشد و تخمی دو تخم بیشتر فایده نکرد هر چه رعیت داد کرد گفتند خیر معلم فنی امر کرده است. سابق معمول بود. اگر یک رعیتی عرض حال میداد اقل یک نمره بایک قبض رسید باو میدادند بعد قدغن شد که نمره و رسید هم بدست رعیت ندهند مگر دارای یک سفره نان باشد یعنی یک سفره نان بشهر بیاورد تا عرض حالش را بپذیرند و رسیدگی کنند بعد از آوردن گندم محال خمسه گفتند اصلاً گندمهای ایران خوب نیست یک مبلغ هنگفتی گندم که نمیدانم چه عرض کنم از خارجه وارد کردند بخرواری صد تومان و برعیتها دادند خدا شاهد است تخمی دو تخم هم عمل نیامد. در نتیجه عملیات در چهار سال اخیر خرج که بشرحی عرض شد پنجاه هزار تومان بود بالغ بر دویست و چهل و دو هزار تومان شد. عایدی که از سی و پنج الی چهل و پنج هزار خروار بود بیازده الی بیست هزار خروار رسید بعلاوه در دو سال اخیر سیصد هزار تومان چوب و گاو آهن و سایر مصالح الاملاک از روسیه آوردند. خدا را شاهد میطلبم که در هیچیک از قراء خالصه هیچیک از آن مصالح کار نشده یک مختصری نسبه فروخته شده و در دهات دور انداخته اند نه بکار. پارسال گذشته سی هزار تومان فرستادند گاو خریدند از سی هزار تومان پانزده هزار تومان اسناد دارند باقی پانزده هزار تومان دیگر اصلاً معلوم نشده است چه شده در جلسه قبل یکی از نمایندگان محترم شرح دادند آقایان خیلی شرم آور است که سیصد تومان

بیک نفر خارجی بدهند که دو تا کتندوی زنبور نگاه دارد آنوقت ایرانی بدبخت توی کوچه ها سرگردان باشد و از ده تومان دادن باو مضایقه بشود. عرض کنم چون نماینده محترم فرمودند بنده مطلعم خواستم ادای وظیفه کرده باشم و عرایض را بکنم و چندان بجزئیات هم نمیخواهم وارد شوم اصل مسئله را عرض میکنم بر کردیم سر حساب که به بینیم مواقع خالصجات فروشش صلاح است یا خیر؟ قیمت مصالح الاملاک و قیمت گاو و مخارج که دویست و چهل و دو هزار تومان بوده در چهار سال اخیر مخارج رسید بیانصد و پنجاه و هفت هزار تومان و عوائد نقدی خالصه و قیمت جنس سیصد و شصت و یک هزار تومان و صد و نود و شش هزار تومان کسر دارد در صورتیکه در این سیصد و پنجاه و هفت قریه خالصه مرکز اگر بخوابیم معامله مالیاتی بکنیم حداقل پانصد هزار تومان مالیات بجزانه دولت عاید میشود. این جمع و خرج خالصجات مرکز بوده است وای بحال ولایات اما چه شد که اینطور شد؟ آن عواید زیاد و آن خرج کم چرا برعکس نتیجه بخشید؟ بطور خلاصه دلیلش را عرض میکنم: همه ساله در سر خرمن بعنوان مختلف خرمن ها توقیف میشود رعایا شکایت میکنند مفتش یعنی شریک و سر دسته همان مباشری که در محل است محل می رود و رأیت بر صحت عمل مباشر میدهد بالاخره یکماه از بذرکاری گذشته خرمنها ضبط و پاك کرده و با سنك چرب کشیده بانبار می رود بعد خاك و آشغال داخل کرده ماهانه پانزده من برعیت مساعده میدهند. تصدیق بفرمائید یک مباشری که مالک ملک نیست رعیت باید زراعت کند و پاك کند بدست مباشر بدهد که او آشغال توی آن داخل کند و بعد باو یس بدهد این مسئله باعث شده است که رعایای کاری از اول بهار تا آخر پائیز در طهران روزی چهار قران فعلکی میکنند که با پانزده من مساعده ماهانه در زمستان و بهار بعد گذران نمایند و امور رعیتی را به بچه ها می سپارند و ابدا دلبستگی برعیتی ندارند برای اینکه استفاده مباشر فقط حقوق ماهیانه و ضبط کردن خرمن این بیچاره است.

آقایان سابق معمول بود که بچه های رعیت جوجه عمل میآوردند باین خیال که این جوجه ها را ماعمل میآوریم که يك چارقد و چادر و لباسی برای خود تهیه کنیم چون اغلب اینکار کار دخترها بود خدا شاهد است این مسئله هم متروک شده چون آنچه جوجه عمل آورده اند پدر بد بخت آنها تعارف بمباشرن داده که دخترها دیگر رغبت اینکه مرغ بخوابانند و جوجه عمل بیاورند نمی کنند. بنده عرض نمیکم املاك خالصه را برعیت خالصه بفروشید. خیر. بفروشید به يك کسی که افلاً رعیت خالصه هم يك صاحب بخودش به بیند. علاوه از آنکه ما از فروش خالصجات داراي بانگ فلاحی ميشویم و املاك را آباد میکنیم و محتاج بگندم خارجه نخواهیم شد و علاوه از اینکه سالی يك ملیون و نیم خرج نگرده و بانصد هزار تومان مالیات خواهیم گرفت به پنجسال نخواهد رسید که سالی دو ملیون و افلاً يك ملیون و نیم کرایه حمل دو بیست الی دو بیست و پنج هزار خروار جنس را که از ولایات برای ارزاق طهران می آورند در خزانه بنفع دولت باقی میماند. اجازه میدهید بطور مختصر حساب کنم چنانچه در اراضی خالصجات دو آیش زراعت شود سی و يك هزار خروار بذر کاشته خواهد شد ساوجبلاغ هفت هزار و بانصد خروار. شهریار پنج هزار خروار. غار و فشافویه پنج هزار خروار. ورامین هشت هزار خروار. خوار پنج هزار خروار از قرار تخم هشت تخم دو بیست و چهل و دو هزار خروار. املاك اربانی بلوکات طهران با ساوه و زرند و خرقان بانصد و پنجاه هزار خروار جمع هفتصد و نود و هشت هزار خروار مخارج محلی و تفاوت قیمت چند. چهار صد و پنجاه هزار خروار. الباقی برای مصرف ارزاق طهران سیصد و چهل و هشت هزار خروار. تصدیق خواهید فرمود وقتی که در اطراف طهران جنس بقدری باشد که تأمین ارزاق طهران را بکنند ما محتاج نیستیم که سالی دو ملیون کرایه دو بیست و پنجاه هزار خروار جنس بدهیم و از خارج وارد کنیم. پول بنزین هم بدهیم که بسوزد و باد ببرد و هیچ منافعی هم نداشته باشیم و اگر خالصجات اطراف

طهران آباد شود ما هیچ محتاج نخواهیم شد این دو ملیون را ضرر نکنیم. شنیدیم بعضی ها گفته اند از فروش خالصجات اطمه به املاك اربانی خواهد رسید. این مسئله دلیل بر عدم تجربه است بنده معتقدم که بواسطه رقابت منافع املاك اربانی را هم خالصه خراب میکند (یعنی بواسطه عملیات مأمورین خالصه) و همینطور معتقدم که اگر خالصه بدست مالك خصوصی یا زارع بیفتد با جمعیت زیاد و بیکارهائی که در این مملکت هست طوری رقابت زراعتی در مملکت ما فراهم میشود که پشت میز نشینها هم بطمع زراعت می افتند. امروز رعیت خالصه در ملك امانی و موقتی نمانده و هر ساعت مباشر اراده کند او را خارج میکند و نفی بلد می نماید. و از این جهت رعیت هیچ اطمینان و امیدواری ندارد ولی اگر کرایه نشین صاحب خانه بشود فوراً بتعمیرات خانه میپردازد. الان رعایای املاك اربانی هر وقت میل کج رفتاری با مالك داشته باشند فوراً به ملك خالصه میروند. تا هر مالکی برعیت میگوید احوالت چطور است؟ فوراً میروند در خالصه و طلب مالك را هم نمیدهد و البته وقتی که این رویه موقوف شد بر نفع مالکین تمام میشود دلیل دیگر اینکه اغلب اراضی خالصه با اراضی ملاکین که مسلوب المنفعه مانده مکرر به تجربه رسیده چنانچه بعضی از همان اراضی مسلوب المنفعه را به آن کسیکه داراي ملك و اراضی نیست بدهند به محض مختصر اقدام طولی نکشیده که آن املاك آباد میشود. نگاه کنید به پشت دروازه طهران يك قطعه زمینی آقای آقا سید یعقوب در پشت دروازه دارند که واقعاً بهر مالکی میدادند از ثبت املاكش خارج میکرد ولی بمحض اینکه يك قطعه زمین بابشان رسیده رفته اند سنک چیده اند و آباد کرده اند. برقات ایشان اشخاص دیگر هم مجبور شده اند که بروند و آنجا ها را آباد کنند. در اینجا گفته شد که املاك خالصه خریدار ندارد و رعیت حاضر نیست و نمیتواند خریداری کند. و از طرفی گفته میشود که رعیت چگونه اداره مینماید؟ و باز هم گفته شد که چرا ارزان میفروشند. عرض میکنم از ساعتی که صحبت فروش

خالصجات بمیان آمده رعیت ها بدخترها و پسرانشان مژده میدهند که ما از بدبختی نجات پیدا خواهیم کرد برای اینکه اگر املاك خالصه فروخته شود. اقلابدست مالکی خواهد افتاد که دلش بحال ملکش میسوزد. بنده برای اینکه وقت آقایان را زیاد تلف نکنم همینقدر عرض میکنم: آقایان در نظر داشته باشید که چنانچه املاك خالصه بفروش برسد بدست هر مالکی که باشد گران میکنم سالی دو ملیون بجزانته دولت نفع خواهد رسید - حالا البته آقایان بعضی مخالف و بعضی موافق هستند و بنده هم تابع اکثریت هستم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

بعضی - گفتند کافی نیست.

نایب رئیس - آقای فاطمی.

میرزا سید مهدیخان فاطمی - بنده خودم جزو موافقین این لایحه هستم و آنجا هم امضا کرده ام ولی با کفایت مذاکرات مخالفم - برای اینکه این يك لایحه مهمی است و بایستی مخالفین و موافقین هر يك نظریات خودشان را اظهار نمایند تا باین عقیده روشنی در این باب رأی داده شود در اینصورت چه ضرر دارد که دونفر موافق و مخالف حرف بزنند و مطلب روشن شود -

نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان

موافقین قیام فرمایند

(جمعی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد آقای حقنویس . . .

حائری زاده - بنده پیشنهادی راجع باصل موضوع

تقديم کرده ام .

نایب رئیس - پیشنهاد حضرت عالی حاکی است که قبل

از انعام مذاکرات رأی گرفته شود. بر ایزت جامعی راجع بفروش خالصجات باین معنی که خبر کمیسیون راجع بفروش خالصجات دوشور داشته باشد این مسئله از نقطه نظر نظامنامه يك

مسئله نظری است و بعد از انعام شور در کلیات بایستی مجلس این مسئله را تصویب کند - و فعلاً مذاکره در کلیات است و مانعی نیست که مذاکرات در کلیات خاتمه پیدا کند و بعد تکلیف معلوم شود .

آقای حقنویس - لزوم فروش خالصجات از چند

نقطه نظر تشخیص شده است. یکی اینکه خالصه در دست دولت نفع نمیکند - یکی اینکه ملك خالصه در دست دولت خراب میشود و یکی دیگر اینکه ما میخواهیم بانگ تاسیس کنیم و برای بانگ سرمایه تهیه کنیم - بنده خیال میکنم این قضا یا باید از هم تفکیک شود و در هر موضوعی نظر متناسب باخودش باشد یعنی اول خالصه در دست دولت بودن يك موضوعی است و يك حکمی دارد بعد فروختنش يك موضوع دیگری است و يك حکم دیگری دارد

و بعد قسمت تاسیس بانگ که يك موضوع دیگری است و يك حکم دیگری دارد - بنده خیال میکنم که تاسیس بانگ بقدری اهمیتش محسوس است که بعقیده بنده تاسیس بانگ از اموری است که در درجه اول احتیاجات ماهست و بدون تاسیس بانگ هیچ اصلاح اقتصادی تصور نمیکند ممکن باشد پس مسئله بانگ يك موضوعی است در درجه اول و بنده خیال نمیکم در مجلس هم مخالف باشد - اما صحبت سر این است که آیا عیبهایی که در اداره دوک نسبت بخالصه است این عیوب از فروش خالصه رفع میشود و اگر ما خالصه را فروخته ایم آن بانگ ضروری ما تاسیس میشود؟ - و آن احتیاج مفرط شدیدی که ما به تاسیس بانگ داریم رفع میشود؟ یا خیر .

سرمایه بانگ را قیمت خالصه قرار دادن ممکن است یا عیوب تاسیس بانگ را با کمال جدید تعقیب میکنند او اگر ملتفت این بشود که سرمایه بانگ را قیمت خالصه قرار دادن بانگ را عقب می اندازد و آن بانگی که ما میخواهیم از او استفاده کنیم . يك همچو بانگی باین زودی پیدا نمیشود و قضیه بانگ بفروش خالصه حاصل نمیشود آنوقت دیگر از این عقیده منصرف خواهد شد که سرمایه بانگ را از قیمت فروش خالصجات

تقديم کرده ام .

نایب رئیس - پیشنهاد حضرت عالی حاکی است که قبل

از انعام مذاکرات رأی گرفته شود. بر ایزت جامعی راجع بفروش خالصجات باین معنی که خبر کمیسیون راجع بفروش خالصجات دوشور داشته باشد این مسئله از نقطه نظر نظامنامه يك

تقديم کرده ام .

نایب رئیس - پیشنهاد حضرت عالی حاکی است که قبل

از انعام مذاکرات رأی گرفته شود. بر ایزت جامعی راجع بفروش خالصجات باین معنی که خبر کمیسیون راجع بفروش خالصجات دوشور داشته باشد این مسئله از نقطه نظر نظامنامه يك

قرار دهیم بلکه بفکر يك نقشه دیگر می افتد که بانك را زودتر تاسیس کند - اما راجع بیدي اوضاع خالصجات در اینجا از طرف موافق و مخالف يك حرفهائی زده شد که محل انکار نبود کلیه ملك را اگر يك مدیر مستقیم اداره بکنند وفلاحت آن در دست يك کسی باشد که حاصلش مال خودش باشد البته بیشتر آن زمین را آباد میکنند و هرکس هم که آشنائی با اصول فلاحت داشته باشد و زراعت و رعیتی را دیده باشد این دیگر برهان نمیخواهد فقط چشم میخواهد و ایستادن سرخرمن و کشتند که ببینند اراضی که در دست رعیت اداره میشود آبادتر است و محصولش بیشتر است و به مملکت بیشتر منافع میدهد یا اراضی که در دست مالك است ولی ما حالا صحبت از مالك نمیکنیم صحبت بانك را میکنیم اینجا يك قسمتی از رفقای خودم که تصور میکنم يك قسمت مهم مجلس را تشکیل میدهند این مسئله را تشخیص داده اند که ملك سرمایه می خواهد و این مسئله را هم تشخیص کرده اند که سعادت مملکت بسته بسعادت ملت است و باید يك فکری کرد که ملت را غنی کرد - اگر ملت غنی شد مملکت قوی میشود تمام طبقات مملکت هم با ثروت و از زندگانی مستفید تر میشوند - بنده آن آقایانیکه در مرام نامهای سیاسیشان همه قدر مسلم تقسیم خالصه را بین رعایا نوشته اند - من آنها را صدا میزنم . یعنی میخواهم به بینم حالا هم همان عقاید را دارند ؟ یا یکره روزی داشتند و حالا برگشته اند - بنده حالا از تقسیم اراضی بین رعیت حرف نمیزنم

بکنفر از نمایندگان - شوخی است

حق نویس -- بلی شوخی وقتی است که ما را ندیم رای ما مبدء عمل است غیر از رای ما يك سبب دیگری نیست . اگر ما رأی دادیم جدی است اگر رای ندادیم شوخی است . ما اگر خواستیم شوخی کنیم شوخی خواهد شد . اگر نخواستیم نخواهد شد بنده از نقطه نظر مسلکی حرف نمیزنم . از نقطه نظر حساب . صرافی . منفعت دولت منفعت مملکت

من معتقدم که اگر خالصه را دولت مجاناً برعایا بدهد عایدی که از مالیات آن املاک حاصل میشود دائمی تر و بیشتر از قیمتی است که خالصه بفروش برود بغیر رعیت برای اینکه رعیت ملك را آباد تر می کند و مالیاتش را بیشتر میدهد و این منفعت دائم و مستمر است اما قیمتی که شما از رعیت یا از يك دسته بگیرید - حالا به موضوعی که این قیمت ادا می شود یا نمیشود و طرز ادایش برای سرمایه يك بانگی مفید است یا نه کاری ندارم و نمیخواهم از نقطه نظر يك فکر مسلکی عرضی بکنم فقط از نقطه نظر فایده و ضرر عرض می کنم که اگر بین رعایا تقسیم شود وقتی مالیاتش را وصول میکنند فائده اش برای دولت بیشتر از هر قسم عملی خواهد بود که برای ترك خالصه بشود . در اینکه خالصه در دست دولت ضرر دارد و نفع ندارد حرفی نیست ولی حالا بفروشدن با همین طور برعایا بدهند ؟ راجع باینکه همین طور برعایا بدهد عرضم را کردم همان آقایانیکه در مرامنامهشان تقسیم خالصه را بین رعایا نوشته اند - همان آقایانیکه در وقت انتخابات چه خودشان چه مبلغینشان در میان رعایا تبلیغ میکردند که این نماینده بشما خدمت خواهد کرد . اگر این را وکیل کنید برای شما کار های مفید خواهد کرد نقطه نظرش سعادت شما است . اگر آن رعایا جاهلند ولی این حرفها توی گوششان هست و بهترین موقع هم حالا است . نه زور بکسی است . نه ظلم بکسی است . نه چیزی از کسی گرفته شده است . يك املاک خالصه هست و در دست دولت است و به تصدیق همه خراب و ویران افتاده و دولت می خواهد از این گرفتاری خلاص شود نفع هم میخواهد ببرد . میدهد برعایا آباد می کنند . نفع هم بیشتر میبرد اما مسئله اینکه اگر بفروشد قیمت آن برای بانك سرمایه خواهد شد اشخاصی که از فلاحت اطلاع دارند و نا اندازه فلاحت کرده اند خوب میدانند که فلاحت امروزه ایران بنده

خیال نمیکنم که صد ده بیشتر باشد اگر اینجا برای خالی نبودن عرضه است که اسم رعیت و ایلات نخت قاپو و اینها گفته می شود که هیچ و الا اگر جدی است و حقیقه از نقطه نظر راستی رای دهندگان آسایش آنها را نقطه نظر قرار داده اند بنده عرض می کنم که شما این ملك را بکی خواهید فروخت ؟ بخورده مالك ؟ یعنی آنهایی که زندگانشان از يك اموری اداره می شود ؟ بنده عرض میکنم آنها رعیت نیستند - آنطور که شما در مرامنامهتان نوشته اید - رعیت آن کسی است که کار میکند و نتیجه میگیرد - من حالا روضه خوانی نمیکنم همه نان میدانید که اینها حالشان خوب نیست - وقتی شما يك ملكی باو دادید اول نخم میخواهد گاو میخواهد - اداره کردن فلاحت میخواهد بعد هم وقتی که زراعت کرد سال اول منتهی ده يك عایدش میشود آنوقت ده يك که گیرش آمد باید قرضی که برای نخم کرده - برای گاو کرده بدهد و بالاخره نمیتواند اقساطش را بدهد - نه امسال نه سال دیگر و آن خیالیکه شما برای تاسیس بانك دارید انجام نمیگیرد - این حق تقدم را برای رعایا در فروختن خالصه قائل شده اید ولی از آنها چیزی گیرتان نمیآید - اگر میخواهید هم بکس دیگر غیر از رعایا بدهید بنده خیال میکنم با همان دلایلی که خودتان در سوء اداره خالصه دارید و همان تجربیاتی که در طرز اداره املاک دولت که خودش در دست دارد یا اجاره داده است و استفاده نکرده است بنده خیال میکنم همان قضایا در مسئله دریافت اقساط هم از خورده مالك پیدا میشود - چرا ؟ برای اینکه در موقع پرداخت قسط خورده مالك به نداشتن متعذر میشود و عواید عقب میافتد عواید که عقب افتاد تاسیس بانك هم عقب میافتد - وقتی نداد چه میکنید ؟ دو باره ملك را از او پس میگیرید و باز دارای خالصجات میشوید و بالاخره نه ملك را فروخته اید و نه بانك تاسیس کرده اید بنده نمیخواهم تریقانی بکنم این مسئله غیر از این است که در این قبیل قضایا حقیقه

دولت نمیتواند مطالباتش را وصول کند ؟ بهمان سندیکه نفس عابدیش را تصدیق دارد که جز يك اسناد لاوصولی چیزی برای دولت نیست همین حال را خواهد داشت اسناد قیمت فروش خالصه اگر تشخیص کرده اید که باید بانك درست کرد و تاسیس بانك از حواج ضروری میدانید و تاخیر تاسیس بانك را مضر بمنافع این ملت می بینید این رویه برای تاسیس بانك خوب نیست بنا بر این بنده با فروشش مخالفم ولی نه بطوریکه دولت نگاهداری کند - نگاهداری دولت غلط - فروشش هم بعقیده بنده برای دولت مفید نیست بانك هم برای دولت درست نمیکند بنده معتقدم که دولت باید خالصه را بین رعایا تقسیم کند این یکی - اما اصل این لایحه . این لایحه چیزهای غربی دارد - يك مسئله این است که يك اصولی در این لایحه ترك شده و يك اصولی اخذ شده است حالا بنده بطور کلی عرض میکنم بعد در موادش یکی یکی عرض خواهم کرد - کلیش این است که باز در این لایحه اصل تساوی بین دولت و افراد از بین رفته و خوش مزه تر این است که دولت قادر قاهری که هنوز مدعیان او با داشتن قانون اساسی . با داشتن قوانین صریح قطعی غیر قابل (بکنفر از نمایندگان - اجراء) تردید هنوز هم مرجعی ندارند و نمیدانند حرفها شانرا کجا بزنند با داشتن این قوانین هنوز دعاویشان مورد اهمیت نشده ولی دولت قادر قاهر دعاوی که دارد مورد اهمیت واقع شده - بنده حالا بطور کلی عرض میکنم و در مواد هم تا آنجا عرض خواهم کرد - در اینجا يك حقوقی که حقوق دولت باید مطابق قانون معین شود (یعنی حقوق مالی دولت) و دولت پیش خود نمیتواند يك حقوق مالی برای خودش درست کند در مالیاتها وقتی که يك مالیاتهای غربی جزو بودجه به مجلس میآید که اگر یکی از آنها در مجلس شورای ملی اظهار می شود بنده خیال میکنم که بکنفر وکیل حاضر نبود رای بدهد این قبیل مالیاتها را جزو عایدات دولت آوردند و بعد گفتند بتصوب مجلس رسیده حالا هم اینجا يك چیزهایی است و يك حقی را بطور کلی استثناء کرده اند - دولت

مطابق کدام قانون این حقوق را داشته است که حالا از خودش استثناء میکنند؟ و بالاخره بنده اعتراضاتم را در مواد در هر کدام عرض میکنم ولی معتقدم که خالصه را دولت نباید در دست بگیرد و نباید بفروشد و باید بین رعایا تقسیم کند.

شیروانی (مخبر) - هر کس با آقای حقنویس سابقه داشته باشد وقتی در خیابان هم طرف مذاکره و صحبت با ایشان شده باشد رویه ایشان را خوب میدانند - بنده خودم چندین مرتبه موفق شده ام پنج ساعت - شش ساعت - دو ساعت و سه ساعت با ایشان صحبت کرده ام ولی بالاخره همان طور که آقایان الان گوش دادند بنده چیزی نفهمیدم (خنده نمایندگان) عرض کنم از آقایان استدعا دارم خوب دقت بفرمایند چیزهایی را که بنده یاد داشت کرده ام از فرمایشات ایشان عرض میکنم اگر غیر از این بود ممکن است دیگران (غیر از خودشان) تکذیب بفرمایند يك عده اشخاصی در این مملکت هستند که اساساً این رویه و عادت را اتخاذ کرده اند و نتیجه عملی هم گرفته اند گرچه این فکر دارد کم کم از بین میرود ولی روی هم رفته باز آثاری از آن هست و آن فقط تنقید کردن و نشان ندادن راه است - بنده در دو کمیسیون کار میکنم از این دو کمیسیون چندین لایحه بیرون آمده است (چه خود بنده مخبر بوده ام چه دیگران) و در مجلس مورد شور واقع شده و بعد بر کشته است به کمیسیون - هنوز يك پیشنهاد بنده از آقای حقنویس ندیده ام - در صورتیکه اغلب آقایان نمایندگان در هر ماده ده تا و پانزده تا پیشنهاد کرده اند بالاخره آقای حقنویس اینجا نگفتند که چه باید کرد جز جمله آخر را که بنده از ایشان گرفتم و فوراً گذشتم این بود که فرمودند نه باید خالصجات را نگاهداشت و نباید فروخت. بانک هم باید تأسیس کرد این نتیجه تمام فرمایشات آقای حقنویس بود. بنده میل داشتم آقای حقنویس این عقیده را در ضمن يك پیشنهاد بفرستند بکمیسیون تا مطالعه کنیم و به بینیم چه قسم بایستی این عقیده را

اجراء کنیم در ضمن فرمایشاتشان می از مرانامه ها و اشخاص و افراد بود و بالاخره گفتند باید خالصه را بین رعیت تقسیم کرد و برعیت داد ولی فوراً فرمودند مقصود از رعیت آن رعیت ملك دار نیست رعیت بی ملك است که پول ندارد. کار ندارد. قوه ندارد. هیچ چیز ندارد آنوقت هم گفتند نمی تواند ملك را اداره کند. پس چه باید کرد نگفتند و طفره رفتند و رفتند سر موضوع دیگر. فرمودند ملت را باید غنی کرد. بلی ملت را باید غنی کرد. ولی فرمودند چطور باید ملت را غنی کرد. بنده معتقدم که ملت را باید با فروش خالصجات غنی کرد این يك عقیده است. حالا هم عرض میکنم که چه جور باید ملت را غنی کرد. بنده عرض میکنم که خالصجات را باید بهمین طریقی که در لایحه نوشته شده اعلان مزایده داد همان حق تقدمه هائیکه باعث آبادی ایران است با نهایت دقت رعایت کرد. برروز هم با آقای حقنویس عرض کردم که آن حق تقدمه ها را در هر پیشنهادی دارند بفرمایند که چه جور اجرا نمائیم که آن کسانی که حق تقدم دارند بیشتر بتوانند استفاده کنند چون عقیده بنده این است که آن حق تقدمه ها باید اجرا شود. شاید بوسیله خورده مالك این مملکت آباد شود و خورده مالك هم حتماً آنکسی که ملك و کاوندار نیست خیر يك کسی که در جریب ملك دارد و میتواند بیست جریب دیگر هم بخرد البته باید باو هم داد. کسی هم که يك ده دارد باو هم باید داد و او هم می تواند از املاك خالصه بخرد. بالاخره باید خالصجات را تقسیم کرد بین افراد تا آباد شود. از خالصجاتیکه بعقیده آقای سالار لشکر

يك نفر از نمایندگان - عباس میرزا

شیروانی - آقای عباس میرزا چهل میلیون قیمت دارد وقاعده باید چهار میلیون عایدی داشته باشد و حالا هیچ عایدی ندارد باید چهار میلیون تولید ثروت بشود. وقتی شما از فروش این اراضی چهار میلیون ثروت به وسیله افراد این مملکت تولید کردید اولاً آنهائیکه دارای خالصه می شوند ثروت مند میشوند بعد هم چهار

میلیون به ثروت ایران اضافه میشود و از فقر و فاقه تا یکفردی رها میشوند. این جور ملت را باید غنی کرد. از پول خالصجات هم باید بانک تأسیس کرد و از تأسیس آن بانک فلاحتی هم همان طور که در لایحه اقتصادی (اگر ملاحظه فرموده باشید) آن کارهای اقتصادی را که در آنجا ذکر باید کرد که در این مملکت بعد از بیست سال دیگر ملت با ثروت بشود. اینطور باید ملت را غنی کرد. ولی شما فرمودید چه جور باید ملت را غنی کرد. سه عامل مهم در مزرعت وجود دارد (آقای حقنویس گویا خودشان هم گاهی زراعت کرده اند) یکی زمین یکی کار - یکی سرمایه - و من گمان نمی کنم هیچ قابل انکار باشد ...

غلامحسین میرزا (مسعود) - آب هم هست.

شیروانی - بلی زمین و آب و عجاناً خالصجات ما واجد یکی از این شرایط که زمین یا آب و زمین است هست ولی کار سرمایه نیست که آنها را آباد کند و فقط بوسیله فروش و دادن بدست اشخاص ممکن است آن دو عامل مهم دیگر را هم ضمیمه اش کرد و استفاده نمود. آقای حقنویس بالاخره در بیاناتشان (بنده نمیخواهم زیاد طول بدهم) فرمودند که بانک را باید ایجاد کرد ولی راه آنرا فرمودند. همانطور که عرض کردم بنده فقط میخواهم این نکته را بایشان عرض کنم که تکلیف ما باین لایحه فقط روی مصرف پولش است. بنده شخصاً خودم بایشان هم عقیده هستم که باید خالصجات بین رعیت تقسیم شود. عجاناً هم داده شود ولی از آنجائیکه میدانم خالصجات را وقتی تقسیم کردیم بین آن رعیت هائی که هیچ وسیله ندارند با آنهائیی هم که وسیله دارند بعد از دو سال سه سال دیگر تازه بر میگردد بجائیی که اول بود برای اینکه آنها نمی توانند استفاده کنند و بجزریان بیندازند و يك کسی که پول دارد بالاخره میرود يك مبلغی هم ارزان تر از آن مبلغی که از دولت خریده باو میفروشد و در نتیجه در همان جاها مرکزیت پیدا میکند و ما

میخواهیم چون میرود جای مرکزیت پیدا میکند عجاناً پولش را از همان دست بگیریم و بانک تأسیس کنیم عرض کردم. آن چیزیکه مربوط بجزایات اقتصادی این لایحه است چیز قبلیش فقط بانک است که بعد از تأسیس بانک که در ضمن لایحه اقتصادی که دو سه روز دیگر به مجلس میآید در آن تصویب و اجرای آن لایحه بستن سد آبیاری - استفاده از الکتریک - راه آهن سبک - استخراج نفت شروع بشود. یعنی از این پولی که بتدریج در بانک تمرکز پیدا میکند اینکارهایی را که ما میخواهیم انجام داده شود - حالا آقای حقنویس اگر معتقدند که تمام این مسائل را ممکن است فدای این کنند که از روی تئوری بگوئیم باید تقسیم بین زارعین بشود و این را ترجیح میدهند؟ بنده هم با ایشان موافق هستم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا میرزا علی حقنویس - بنده توضیح میخواهم بدهم

نایب رئیس - چه توضیحی؟

حقنویس - سوء تفاهم شده باید توضیح بدهم

نایب رئیس - بر طبق چه ماده؟

حقنویس - ماده صد و نه

نایب رئیس - چطور استفاده از این ماده می کنید

نحوه استفاده شما از این ماده چیست؟

حقنویس - ایشان فرمودند که من حرفهای تو را نفهمیدم (خنده نمایندگان) معلوم میشود صحیح هم فرمودند برای اینکه اگر فهمیده بودند جواب میدادند و رد می کردند.

نایب رئیس - تصور میکنم بر طبق ماده صد و نهم

فقط در مواردی میتوان اجازه خواست و توضیح داد که نهمت و افزائی زده شده باشد. یا خلاف معنائی که ناطق کرده است ..

حقنویس - بلی توهین کردند.

نایب رئیس -- بفرمائید .

حقوقی -- بنده اولاً هیچ انتظار نداشتم از آقای شیروانی که این فرمایش را بفرمایند و ثانیاً موقع هم موقعی نبود که بنده پیشنهاد بدهم چون صحبت در کلیات بود . من فقط به عنوان مخالفت با کلیات عرض کردم و ایشان چیز کردند . . .

نایب رئیس -- موضوع توهم را توضیح بدهید .

حقوقی -- بله عرض میکنم اینکه فرمودند هر کس فلانی را به بینه میداند که فلانی حرفهایی که میزند از چیزی نمی فهمند این تقریباً فحش بود . ایشان اگر اجازه بدهند بشهادت يك جلسه دیگر هم که بنده يك عریضی کردم و ایشان اظهار داشتند من چیزی نفهمیدم ولی چیز فهم ها فهمیدند هر کس چیز فهم بود فهمید . ایشان نمیدانم چرا نفهمیدند ولی حالا اینطور استنباط میکنم که ایشان هیچوقت حرف مرا نفهمیده اند

نایب رئیس -- بنده تصور میکنم که اینمورد مشمول ماده صدوهم نبود .

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

بعضی گفتند . کافی نیست

آقا سید یعقوب -- بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

نایب رئیس -- بفرمائید

آقا سید یعقوب -- عرض کنم در تمام این صحبتها

که میشود اصل مسئله این است که اینکار صلاح هست یا نیست؟ و بعد آقایان وارد در مواد بشوند و در مواد صحبت نمایند که این مواد درست تنظیم شده یا درست تنظیم نشده است . ولی اصل کلیات و بحث در کلیات این است که ما بدانیم برای مملکت فروش خالصجات ضرر دارد یا نگاهداشتن آن و هنوز در این مسئله صحبت تمام نشده است و هنوز عقاید مجلس و اکثریت مجلس معین نشده که بتوانند رأی بدهند که خالصه را باید فروخت یا

نه؟ این است که باید کاملاً در اطراف این موضوع صحبت کرد که این مسئله معلوم شود آتوقت وارد در مواد بشوند

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود بکتابت مذاکرات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قیام کردند)

نایب رئیس -- تصویب نشد . اجازه میفرمائید چند دقیقه تنفس داده شود .

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس -- آقای وزیر مالیه

وزیر مالیه -- بطوریکه مقرر بود بعضی اعتباراتی برای مازاد بودجه های امساله تقدیم بشود . این است که با عده بودجه هائیکه از وزارتخانهها برای مخارج لازمه امسالشان بعرض مجلس رسانده اند تقدیم میشود . (تسلیم نمودند)

نایب رئیس -- بکمیسون بودجه رجوع خواهد شد

وزیر مالیه -- در اینجا شاید مقتضی باشد که عرض کنم بعضی نواقص داشت برروز برای کمیسون محترم بودجه فرستاده شد از اینقرار . اداره نظمی . فلاح و جنگلها . مؤسسه باستور . دفع آفات حیوانی . وظائف مستمریات . مخارج انتفاعی . دیون عمومی . بودجه بیزی بودجه مخارج وصول عایدات انحصاری . بودجه مخارج وصول عایدات راه . بودجه راه سازی . بودجه مؤسسات بلدی (معارف و صحیه و خیریه) از محل عایدات راه و پوست بره . بودجه مؤسسات ارزاق از محل فروش حاصل جنس . بودجه سجل احوال از محل عایدات سجل احوال -- بودجه اعانه معارف بنادر جنوب از محل امتیاز خاک سرخ . اینها بکمیسون بودجه تقدیم شده است

امیر حسینخان -- ارزاق نیست

وزیر مالیه -- چرا ارزاق هم هست عرض کنم که چون برروز در اینجا يك مذاکرانی آقایان فرمودند مخصوصاً آقای آقا سید یعقوب راجع بعضی مسائلی که درجرائد دیده بودند با اینکه بنده يك اطلاعاتی داشتم معیناً برای اینکه اینمسئله را که در روزنامه نوشته بودند راجع مسئله ارزاق پارساله بکلی اغراق بود این بود که در این یکی دو روزه باز تحقیقاتی شد و ناچار بنده خواستم خاطر محترم آقایان را مستحضر کنم که از اوضاع این فقره مسبق و مستحضر شوند و از این مسائلی که مذاکره میشود اسباب سوء تفاهم نشود و چون صورت جزء اینمخارج هم همین چند روزه بعرض مجلس خواهد رسید در آن جا تفصیلاً مستحضر خواهند شد در سنه ۱۳۰۴ با آن پیش آمد هائیکه ملاحظه فرمودید يك میلیون و سیصد و هفتاد هزار تومان مخارج اداره ارزاق شده و از این يك میلیون و سیصد و هفتاد هزار تومان سصد هزار تومان ذخیره برای حمل و نقل است که این ذخیره مطابق صورتیکه وزارت مالیه و اداره ارزاق تهیه کرده است و بعرض آقایان خواهد رسید دو سه ساله مستهلك خواهد شد یعنی برگشت میکند . ذخیره برای مخارج غیر مترقبه هم (بعد از رسیدگی بحساباتش) ناچار از این مبلغی که عرض شد کسر خواهد شد سصد هزار تومان در این صورت باقی میماند هفتصد هزار تومان و از این هفتصد هزار تومان هم منافع سنوات هزار و سیصد و دو و هزار و سیصد و سه که از بابت ارزاق عاید شده و باین حساب گذاشته شده است کسر میشود چهار صد هزار تومان الباقی می ماند سصد هزار تومان که آنهم برای مصارف کار است یعنی مطابق صورتیکه داده شده است کسر اینکار برای تمام سنه هزار و سیصد و چهاردر صورتیکه تمام ششصد هزار تومان فوق را رفته بدانیم صد و بیست هزار تومان برای دولت کسر پیدا میشود که اگر آن ششصد هزار تومان هم بحسابش رسیدگی بشود و استهلاك شود باز از این مبلغ مقداری کسر خواهد شد

در اینجا البته خاطر محترم آقایان مسبق است که پارسال با آن وقایعیکه اتفاق افتاد و با آن سختیهاییکه در باب ارزاق بود و مبالغی که وزارت مالیه یعنی اداره ارزاق مجبور بود غیر از مصارف طهران باطراف بدهد چون در سال هشتاد هزار خروار از بلوکات طهران برای آذوقه طهران داده میشد و پارسال این هشتاد هزار خروار که رسید مقیدار پانزده هزار خروار هم برای نان و کشت بلوکات اطراف طهران وزارت مالیه تدارک کرد و پرداخت و صد و پنجاه نانوائی در دهات برای آسایش مردم تدارک کرد و مقداری هم که برای مسئله تدارک حمل و نقل مصرف شده که صورت جزء آن بعرض آقایان میرسد از اینبابت هم مطابق راپورتیکه تهیه شده و بعرض میرسد برای صرفه امور تجارتنی و کمک بحمل و نقل و تجارت هم فوق العاده این مسئله مفید بوده و کرایه حمل و نقل را نگذاشته است زیاد بالا برود و با تمام این مراتب چنانچه ملاحظه میفرمائید با آن خدمتی که از حیث حفظ جان مردم و حیثیت مملکت بعمل آمده است از حیث مخارج هم بآن کزافی که مردم تصور میکنند و اشتباهاً اینمقدار را ذکر کرده بودند نیست و صورت راپرت این قضیه را بطوریکه عرض کردم مشغول تدارک هستند و شاید ده روز نکشد که بعرض مجلس برسد و از جزئیات مسئله آقایان مسبق شوند و اینکه ناچار صورت این فقره بعرض مجلس رسیده است نه از بابت غفلت و تغافل بوده است بلکه خواسته اند تمام بودجه سالیانه را برای تمام مملکت ایران تدارک و تهیه نمایند و آن مقداری که برای کل ایران از این حیث خرج شده است بعرض مجلس خواهد رسید مال همه ولایات رسیده است فقط چهار ولایت باقی مانده است که آنرا پرسیدم گفتند در شرف رسیدن است که بعد از رسیدن آنها يك صورت حساب جامعی بعرض مجلس خواهد رسید

نایب رئیس -- اگر آقایان اجازه میفرمایند دو فقره

خبر است از کمیسون عریض و مرخصی راجع برخصی

دو نفر از آقایان قرائت میشود و رأی میگیریم (فقرا اول بشرح ذیل خواند شد)

آقای مفتی نماینده محترم سقزبان از مقام منبع ریاست مجلس مقدس بواسطه کسالت مزاج و نجویز دکتر از تاریخ ۲۲ آذرماه بیستروزه اجازه مرخصی خواسته اند کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید.

نایب رئیس - آقایانیکه بامرخصی بیستروزه آقای مفتی موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام فرمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.

(فقره دوم نیز بضمون ذیل قرائت شد)

آقای روحی نماینده محترم کرمان از مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی برای رسیدگی بامورات محلی سه ماهه از تاریخ حرکت اجازه مرخصی خواستند کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید

نایب رئیس - رأی میگیریم. آقایانیکه باخبر

کمیسیون عرایض و مرخصی موافقت... آقای زوار

حاج اسدالله زوار - البته آقایان باید تصدیق کنند که کمیسیون عرایض و مجلس شورای ملی برای رسیدگی بعرایض واحقاق حق نمودن است بنده خیلی تأسف میخورم که آقایان اجازه میگیرند و حاضر نمیشوند بعلاوه ملت حاضر نیست که از دسترنج خودش حقوق بدهد و آقایان برای کارهای شخصی خودشان بروند و در این چند فقره مرخصی که گرفته شده است حتی مرخصی آنهایی که متمول بوده اند و ممکن بود حقوق خودشانرا اقل بکتابخانه مجلس بدهند بنده در آن موقع هم خیال مخالفت داشتم و حاضر نبودم والان هم حقیقه با اشخاصیکه غیبتشان در مجلس شورای ملی اسباب ضرر ملت است مخالفم.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده تعجب نمیکنم. زیرا آقای

زوار دوره اولشان است و میخواهند يك مسائلی را در مجلس بیان کنند. این مسئله اجازه خواستن. آقایان حق دارند. نظامنامه بانها اجازه داده است در همین مجلس سه ماهه اجازه داده اند دو ماهه اجازه داده اند چهار ماهه اجازه داده اند این حق برای نمایندگان هست. آقای روحی هم یکی از نماینده های محلی زحمتکش بوده است و در تمام کمیسیونها هم برای کار حاضر بوده است روحی همچو آدم متمولی نیست و اینقدر هم حضرتعالی نفرمائید «از دسترنج رعیت» «از دسترنج ملت» همه باید کار بکنند کار هم میکنند این صحبتها نباید بشود این است که بنده کاملاً موافقم، سابقه هم دارد وکیل حق غیبت ندارد؟ حق ندارد اجازه بخواهد مرخصی بود؟ نظامنامه حق داده است و هر وقت هم محتاج باشند اجازه میخواهند نایب رئیس - چون سابقه ندارد در مرخصی بیش از این مذاکره شود رأی میگیریم آقایانیکه با مرخصی آقای روحی مطابق خبر کمیسیون موافقت قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد، خبر دیگری است از شعبه دوم راجع نمایندگی آقای حاج میرزا مرتضی کرمانی قرائت میشود: (آقای بامداد خبر مزبور را بشرح آتی قرائت نمودند) شرح انتخابات حوزه شهر کرمان از اینقرار است

که بعرض مجلس مقدس میرساند

در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۰۴ از طرف کفیل ایالت کرمان بر طبق ماده ۱۴ قانون انتخابات ۳۶ نفر از طبقات ششگانه و از معتمدین محل دعوت و در این بین والی وقت وارد و با حضور ایشان نه نفر اعضای انجمن نظارت بشرح ذیل: (اینجا عرض میکنم که سابقه ندارد اسامی نظار را بنویسند ولی چون در دوسیه خیلی اسامی مکرر میشود و اعضاء انجمن نظارت دوپار تیند این اسامی آنها) آقایان حاج آقا محمد قندهاری حاج میرزا مرتضی - ولیخان اسفندیاری - میرزا حسنخان ابراهیمی - میرزا الطغی خان مظفری - محمد علیخان ابراهیمی شمس شعاعی - سید احمد افتخار - سید محمد گلستانی و نه نفر اعضای علی البدل که ذکر اسامی ایشان مورد حاجت نیست

انتخاب شده و در ۱۶ اسفند در سرای وکیل انجمن منعقد و هیئت رئیسه خود را با رأی مخفی انتخاب کرده اند

در ۱۸ اسفند حوزه های فرعی بر طبق ماده ۱۶ تعیین و اعلان انتخابات را منتشر و از روز پنجم فروردین تا پانزده روز مدت اعطا و اخذ تعرفه مقرر گردید ولی بواسطه نرسیدن حقوق نمایندگان حوزه های فرعیه انجمن مجبور به تجدید مواعد اعلان گردیده بالاخره از ۱۲ اردیبهشت تعرفه داده و رأی گرفته اند و در ۱۶ اردیبهشت بموجب تلگراف مرکز و مراسله کفیل ایالت انتخابات متوقف و در نوزدهم خرداد رفع توقیف و انتخابات جریان اولی خود را شروع و تا غروب چهارشنبه اول تیر ماه که متمم مدت بود منقضی گردید مجموع آراء شهر و حوزه های فرعیه بالغ بر ۱۹۱۷۹ شده است.

انجمن نظار پس از ختم انتخابات از تاریخ ۳ شهریور تا غروب ۹ شهریور برای پذیرفتن شکایات جلسات خود را منعقد و از دهم شهریور تا غروب شانزدهم بشکایات واصله رسیدگی و غروب ۱۶ همین برج اعلان انحلال انجمن نظارت داده شده است در نتیجه آقای حاج میرزا مرتضی با اکثریت ۱۰۰۹۰ رأی بسمت نمایندگی کرمان انتخاب و شش نفر از نه نفر نظار اعتبار نامه ایشانرا تصدیق کرده اند.

اینک برای استحضار خاطر نمایندگان محترم لازم میدانم اصول اعتراضات و جوابهای آنها را از روی اسناد دوسیه بطور خلاصه در اینجا فهرست کند

اعتراض اول - تغییر و تبدیل موعد شروع و انتخابات از پنجم فروردین متدرجا تا دوازدهم اردیبهشت

جواب - این تغییر و تفاوت اوقات بواسطه تعلل اداره مالیه در پرداخت حقوق نمایندگان حوزه های فرعیه بوده است

اعتراض دوم - عدم صلاحیت میرزا لطفعلیخان مظفری برای عضویت انجمن نظار بعلمت آنها م. باختلاس و تحت تعقیب بودن او از طرف مالیه

جواب - اولاً مظفری در هیچ يك از محاکم حتی محکمه

مالیه محکوم نشده و صرف معلق بودن از کار دلیل عدم صلاحیت نیست ثانیاً رئیس انجمن در جواب وزارت داخله تصریح کرده است که خروج مشارالیه از انجمن بيمورد و عضویتش بیباعت است ثالثاً اداره مالیه کرمان بانجمن میدوید که تا تکلیف قطعی محاکمه مظفری از طهران معلوم نشده نمیتوان در باره او نفی و اثباتی کرد اعتراض سوم - اسقاط حق رای اهالی (سرآسیاب شش) و محرومیت اهالی از رای دادن

جواب - نماینده این حوزه اطلاع میدهد که برای تشکیل انجمن در اینجا اشخاصی با سواد یافت نمیشود و اگر اجازه میدهید از چترود اشخاص با سواد دعوت کم و حقوق و مخارج آنها را بفرستید چون این کار مخالف قانون بوده انجمن اجازه نداده و مخارج هم فرستاده نشده است و طبیعی است که نمیتوانستند رای بدهند

چهارم - اعتراض بر انتخابات (باغین) و ادعای تعویض آراء آنجاست

جواب - در دوسیه های انتخابات سند مثبتی بر اثبات این اعتراض موجود نیست

اعتراض پنجم - الغای آراء کویر و اعدام آراء آنجا

جواب - نماینده انجمن بدون حضور حکومت و رعایت مقررات قانون شخصاً انجمن نظار را تشکیل و با انتخابات شروع کرده بود در نتیجه شکایات اهالی و اظهار بی اطلاعی حکومت آنجا از انتخابات انجمن نظار اول دو نفر مفتش از اعضاء انجمن اعزام و بعد از تصدیق آن دو نفر بر بطلان انتخابات در جلسه ۳۰ خرداد انجمن نظار قرار ابطال آراء آنجا را گذاشته و بواسطه نزدیکی بشهر اهالی را دعوت کردند که در شهر آمده رای بدهند

ششم - اعتراض عمده متوجه پشتکوه یعنی خبیص - تکاب - سیرج - کوك میشود اول برای تغییر نایب الحکومه حین جریان انتخابات دوم از حیث تعویض آراء بشرحی که در کتابچه سبز بیان شده است

جواب - تغییر نایب الحکومه در اثر فشار زیاد اهالی بر

انجمن مرکزی و شکایات متوالی و فشار انجمن بر ایالت و وزارت داخله و بالاخره بحکم وزارت داخله و ایالت رضایت خاطر اهالی و انجمن از این حیث بعمل آمده است اما تعویض آراء - اینمطلب ابدا دارای دلیل مثبتی نیست بلکه از جریان دوسیه خلاف آن ظاهر که فعلاً از اظهار خود داری کرده و لدی اللزوم بعرض نمایندگان محترم میرساند

اقدامات و عقیده شعبه

برای رسیدگی باین دوسیه ضمیمه و مفصل شعبه دوم ۳۵ جلسه تشکیل و در خود شعبه (بدون رجوع بشعبه فرعی) با حضور کلیه یا اکثریت اعضاء دقت و رسیدگی بعمل آمده و حتی کتاچه سبز که محتوی اعتراضات مخالفین است مطرح و مورد دقت واقع شد و در یک جلسه نیز آقایان معترضین را دعوت و اظهارات ایشانرا اصفا نموده و بالاخره درسی و پنجمین جلسه رسیدگی را کافی دانسته و اعتراضات را غیر وارد و اخذ رای بعمل آمده و با اکثریت صحت انتخابات شهر کرمان تصویب و اینک خبر آن تقدیم میشود

نایب رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - مخالفم

نایب رئیس - بجلسه دیگر موکول میشود. بقیه شور در کلیات خبر کمیسیون راجع بفروش خالصجات مطرح است. بنظر بنده نسبت باین خبر چنانکه قبلاً تذکری بمجلس شورای ملی داده شده لازم است عرض کنم که اصولاً کلیه لواجیحی که از طرف دولت پیشنهاد میشود باید دو شور داشته باشد. در اینجا بنظر بعضی از آقایان ممکن است این لایحه قابل تفسیر باشد زیرا ماده هشتم آن ممکن است مشمول شق ثانی ماده پنجاه و نهم از نظامنامه باشد. باین معنی که تصویب وجوه حاصله از این ممر بعنوان سرمایه شدن بانک تصویب مخارج مخصوصی است و درین باب پیشنهاد هائی شده است که یکی از آنها

راجع باقاي حائری زاده است و تصور میکنم چون اگر تصمیم مجلس در این باب معلوم شود که باید يك شور بشود یا دو شور تکلیفی هم نسبت بکیفیت مباحثه درین جلسه معین خواهد شد زیرا ممکن است آقایان از مباحثه در کلیات قدری خود داری کنند و در شور های بعد نظریاتشان را بگویند و خود این تسهیل میکنند سرعت جریان را، اگر اجازه میفرمائید پیشنهاد آقای حائری زاده قرائت شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم قبل از ختم مذاکرات تصمیمی از طرف مجلس اتخاذ شود که راپرت راجع بفروش خالصجات دو شور داشته باشد.

نایب رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - اگر چه همین شکل که مقام ریاست تذکر دادند در ماده پنجاه و نهم نظامنامه مینویسد ترتیبات شور مرتبه اول و دوم در مواد ذیل مجری نخواهد بود:

اولاً بودجه دخل و خرج مملکتی ثانیاً قوانینی که تقاضای وجوهی برای مخارج مخصوصی است و ماده هشتم این لایحه عوائد حاصله از فروش خالصجات را تخصیص میدهد بسرمایه بانک دولتی که بموجب قانون جداگانه تأسیس خواهد شد ولی این جمله را هم نباید فراموش کرد که مواد دیگری هم این قانون دارد (یعنی این راپورت دارد) که حقیقه مسئله خرج نیست من جمله از موادش که مالکیت دولت را میخواهد تشخیص بدهد. که چه املاکی را باید بملکیت دولت بشناسیم و این خیلی مباحثه در اطرافش خواهد شد. فرض میکنیم که تمام این راپرت مشمول فقره دوم از ماده پنجاه و نهم نظامنامه باشد. چون موضوع يك موضوع خیلی مهمی است استثناء هم مناسب است که مجلس تصمیمی اتخاذ کند که این قانون باستثناء ماده هشتم دو شور داشته باشد که مطالعات

کاملی در اطراف آن بشود و آقایان پیشنهاد ایشان را بدهند تا در شور ثانی مسئله بخونی ختم شود.

مخبر - بنده شخصاً خودم مخالف نیستم با اینکه در این لایحه بیشتر دقت شود و دو شوری بشود و یکی از مواد نظامنامه را هم درین مورد بخصوص مجلس طور دیگر تفسیر کند ولی يك نکته اساسی هست که نماینده محترم آن را هم باید رعایت کنند که اگر ما میخواهیم این قبیل سوابق را در مجلس بگذاریم ممکن است در يك مواقعی سوء استفاده از آن بکنند. در اینجا ممکن است ما حسن استفاده کنیم ولی ممکن است يك لایحه حیاتی مملکتی که باید يك شور درش بشود بمجلس بیاید و آنوقت این سابقه را که ما میگذاریم ممکن است در آن موقع از يك چنین سابقه سوء استفاده کنند. این لایحه بطور کلی بموجب ماده هیجدهم و بموجب ماده پنجاه و نهم نظامنامه يك شوری است و بنده هم باغلب آقایانیکه فرمودند خوبست در این لایحه دو شور بشود عرض کردم ممکن است پیشنهاد بدهند ما هم پیشنهاد های خوب و مفید را تقاضای ارجاع بکمیسیون میکنیم و وقتی که ما اینکار را کردیم عملاً دو شور بعمل میآید. مقصود از دو شور هم مراجعه به پیشنهادات و دقت در قانون است و ممکن است کمیسیون بودجه عملاً اینکار را بکند بدون اینکه يك سابقه که يك روزی ممکن است در مجلس از آن سوء استفاده کنند درین جا گذاشته شود.

حائری زاده - عرض کردم این موضوع استثناء دو شور داشته باشد.

نایب رئیس - بنده بعنوان تذکر بعرض آقایان میرسانم که عنوان این لایحه عنوان فروش خالصجات است و از این عنوان معنائی که مستفاد از آن تصویب خرج بالتغییر در دخل باشد حاصل نیست و بنابرین گفته میشود که اگر در يك لایحه يك ماده وعده خرج يك وجهی را بموجب قانون دیگر بدهد آیا این مشمول ماده پنجاه و نهم هست یا نیست؟ این مطلب مطلب نظری

است و باین علت باید آقایان تصمیم خودشان را اظهار کنند

بعضی از نمایندگان - مذاکره کافیست.

آقای سعید یعقوب - مسئله نظامنامه ایست. کافی نیست

نایب رئیس - آقای بیات با کفایت مذاکرات مخالفند؟

مرتضی قلیخان بیات - بلی مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

مرتضی قلیخان بیات - عرض کنم که این قسمت همانطور که آقای مخبر هم اظهار کردند يك مطلبی است که يك تأثیراتی در نظامنامه میبخشد مجلس اگر بخواد نظامنامه را تغییر بدهد خیلی آسان است ممکن است يك طرح یا پیشنهادی تهیه کنند و بموجب آن طرح و آن پیشنهاد نظامنامه را تغییر بدهند و آنوقت موافق آن عمل کنند ولی موقعی که نظامنامه هست بعقیده بنده باید مراعات حفظ نظامنامه را کرد و مطابق آن باید عمل کرد. راجع باین قسمت هم گمان میکنم تا بحال سابقه بر این بوده است که در يك لایحه که مربوط بخرج و دخل بوده ان لایحه اعم از اینکه يك ماده یا چند ماده دیگرش از يك مطالب دیگری مذاکره میگردد يك شور داشته و اگر دقت شود در تمام لواجیحی که بمجلس میآمده و يك موادی داشته است که راجع بخرج بوده و اگر آن مواد خارج میشد دو شوری شد ولی از حیث خرج و دخل همیشه اینقسمت را مجلس مقدم میدانسته است و مطابق همان ماده خرج بکشور می شده است و چون این قسمت مربوط بنظامنامه است بعقیده بنده باید درست ذهن آقایان متوجه بشود که اگر رأی داده میشود بکرائی باشد که از روی اطلاع و توجه بموضوع باشد.

نایب رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - این جمله را نباید فراموش کرد که

هیچ لایحه ای از صدهای نود و صدهای نود و نه یافت نمیشود

که جنبه خرج نداشته باشد راجع به تشکیلات وزارتخانهها راجع باصلاحات مملکتی بالاخره هر لایحه ای يك جنبه خرجی هم دارد و اگر این موضوعی را که آقای بیات فرمودند ما قبول کنیم باید سایر کمیسیونهای مجلس تعطیل کنند و منحصر شود بکمیسیون بودجه و تمام لوائح هم يك شورى باشد. قانون بلدیة را ما داریم میگذرانیم مستلزم خرج نیست؟ مسلماً مستلزم خرج است. این قانون مربوط بخرج امسال است یا خرج سال آتی است هیچکدام. شما در اینجا اجازه میدهید که خالصجات را بفروشند و جوهری که از این محل عاید شد بمصرف بانک برسانند اصلاً می توان گفت که این لایحه جزء لواجی است که دو شور باید داشته باشد ولی چون ابتداءً مجلس تصدیق کرده که این لایحه جنبه خرج دارد. و از طرف دیگر هم آقایان تصدیق میفرمایند که این لایحه يك لایحه مهمی است و باید با مطالعه کافی داخل در این موضوع شد بنده تقاضا کردم که بطور استثناء مجلس تصمیم بگیرد که این لایحه دو شور داشته باشد تا مطالعات کاملی در اطراف این موضوع شده باشد و منافات هم با نظامنامه نداشته باشد.

نایب رئیس -- آقای ضیاء

ضیاء -- موافقم

مخبر -- عرض میکنم نماینده محترم اینجا قدری خلط کردند. درست است تمام لوائح و قوانین ایجاد خرج میکنند ولی در خود آن لایحه يك خرجی وجود ندارد در این لایحه مخصوصاً در يك ماده اش ذکر میشود که این عواید خرج فلان مسئله بشود. در خود قانون بودجه دو ماده شما مینویسید: جمع و خرج. آن وقت هیچکدام آنها راجع بخرج نیست. پس باید قانون بودجه برود بیک کمیونی که دو شور میشود. این لایحه هم همینطور است. در ماده ۱۸ میگوید تمام لوائح یا طرح قانونی که موجب تغییر دخل و خرج سال بعد

میشود و در ماده ۵۹ مینویسد: ثانیاً قوانینی که راجع بتقاضای جوهری برای مخارج مخصوصی است تصریح دارد که این قسم لوائح باید يك شور درش بشود. بنده عرض میکنم این پیشنهاد حضرتعالی بد چیزی است ولی عرض میکنم که اگر در ضمن مذاکره هر قانونی ما بخواهیم يك ماده نظامنامه را منزلت کنیم در آتیة سوء استفاده خواهد شد.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است (بعضی گفتند کافی نیست)

یاسائی -- بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

نایب رئیس -- بفرمائید.

یاسائی -- ماده نظامنامه خیلی صریح است. ماده ۵۹ میگوید: از لواجی که يك شورى است یکی آن است که تقاضای وجه خاصی برای مخارج مخصوص شده باشد در اینجا تقاضای وجهی برای مخارجی نشده است يك محلی است برای تأسیس بانک بنده نظیر این مسئله را تذکر میدهم آقایانی که در دوره پنجم بوده اند تا تصدیق فرمایند که این لایحه دو شورى است. قانون ممیزی دو شورى بود و در همان قانون پیش بینی شد که يك قسمت از عوایدش برای معارف ولایات تخصیص داده شود. یعنی یکی از موادش این بود که صدی نهم مالیاتها را بدهند بمعارف ولایات. آیا این باعث شد که در آن لایحه يك شور بشود؟ بالاخره مطلوب ما از این لایحه فروش خالصجات و تأسیس بانک است و این قضیه خیلی مهم است و چطور میشود که ما بگوئیم این لایحه يك شورى است؟ در صورتیکه خیلی هم واضح است که این لایحه دو شورى است و اصطلاحاً هم با نظامنامه ندارد و ماده (۵۹) هم شامل این موضوع نمیشود و غالباً در این لوائح دو شورى یکی دو ماده هست که محل يك مخارجی را معین مینماید و منافات با دو شورى بودنش نیست ولی البته اگر يك لایحه بیاید در مجلس و موضوع او این باشد که يك وجهی را تقاضا کنند برای مخارج خاصی این البته يك شورى است مثل لایحه راجع بدفع

آفات حیوانی که دولت يك وجهی را تقاضا کرده است برای يك خرج مخصوصی و بالاخره این لایحه مربوط بسایر لوائح نیست و دو شورى است

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

نایب رئیس -- توضیحات آقای یاسائی راجع بعدم کفایت مذاکرات نبود -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای حائری زاده -- آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب شد. پیشنهادی هم آقای بهبهانی داده اند

بهبهانی -- پیشنهاد بنده دیگر مورد ندارد

نایب رئیس -- پیشنهاد دیگر از طرف آقای سلطان محمد خان عامری رسیده است قرائت میشود (بشرح آتی قرائت شد)

نظر بانظارات متضادیکه راجع بعایدات و مخارج خالصجات شده و نظر باینکه لازم است آقایان نمایندگان بطور صحت از ارقام جمع و خرج خالصجات مطلع شوند بنده پیشنهاد میکنم از وزارتعالیه تقاضا شود صورت جمع و خرج املاک خالصه را در ظرف چهار پنج سال اخیر قبل از خامه یافتن شور لایحه فروش بمجلس مقدس ارسال دارند و نیز يك صورت تخمینی از عایدات و جوهری که بوسیله فروش خالصجات جمع خواهد شد تهیه نمایند تا آقایان نمایندگان بتوانند از روی بصیرت قضاوت نمایند.

نایب رئیس -- بنظر بنده مقصودشان تهیه يك لوازمی است که مؤثر در رسیدگی باصل موضوع میدانند و بنده نمیدانم آیا این يك موضوعی میتواند باشد که در مجلس مذاکره شود یا اینکه باید بتوسط کمیسیون بودجه این لوائح تهیه شود. آقای عامری.

سلطان محمدخان عامری -- البته تمام آقایان

نمایندگان تصدیق دارند که این قضیه يك قضیه است که کمال اهمیت را دارد بعلاوه در جلسه گذشته و این جلسه يك مذاکرانی شد راجع بجمع و خرج خالصجات و بالاخره يك اظهارات متضادی در اینجا شد. یکی از نمایندگان محترم اظهار فرمودند که مخارج خالصجات در عرض سال هشتصد هزار تومان است دیگری اظهار میکرد که مخارج خالصجات شاید از دو صد هزار تومان تجاوز نکنند و بالاخره دانستن جمع و خرج خالصجات يك تأثیر مهمی در اصل موضوع دارد. بنابراین بنده این پیشنهاد را کردم که تمام آقایان نمایندگان از ارقام حقیقی جمع و خرج اطلاع پیدا کنند و بعلاوه يك صورت تخمینی از قیمت خالصجات را داشته باشند.

نایب رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- عرض میکنم پیشنهاد آقای عامری يك جنبه داشت و آن این بود که معلوم شود که آیا این معامله صرفه دارد یا نه؟ و چقدر عاید دولت میشود؟ و چقدر خرج دولت است؟ و چه مبلغ برای دولت باقی میماند؟ در صورتیکه نظر آتیهائی که با این لایحه موافقت نه فقط بجنبه معامله است بلکه نظر بجنبه های دیگر هم هست از این جهت بعقیده بنده این پیشنهاد مخرب آن نظریه هاست و اسباب زحمت و معطلی است يك اداره بی سر و تهی تحمیل شده است بر این مملکت و بنده ادله دیگری هم دارم که اگر شور در کلیات کافی نشد عرض میکنم و بنا بر این ما نمیتوانیم نامل کنیم تا اینصورت را مالیه بدهد بعد داخل در مذاکره شویم. آقای عامری خودشان روابط کامل با مالیه دارند خوب است این صورت را بگیرند بفرستند بکمیسیون بودجه و مانع نشوند از اینکه این لایحه امروز مطرح شود.

مخبر -- اگر نماینده محترم يك کلمه به پیشنهادشان اضافه فرمایند بنده تصور میکنم که مفید باشد و آن این است که عایدات حقیقی که وارد صندوق دولت شده است صورت بدهند نه ارقام و الا اگر ارقام باشد در بودجه

کل مملکتی هم يك ارقامی برای ما فرستاده اند . خوبست تصریح بفرمایند عوایدی که وارد صندوق دولت شده اگر موافقت بفرمایند بنده هم قبول میکنم

نایب رئیس -- این پیشنهاد در حکم مذاکره است برای تهیه لوازمی که تسهیل میکند جریان امر را و موضوعی که قابل رأی باشد نمیتواند باشد . پیشنهادی هم آقای حشمتی کرده اند قرائت میشود .
(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم صورت خالصجات مملکتی و حد متوسط مخارج و عایدات یکساله آنها طبع و بین نمایندگان محترم برای جلسه آتی توزیع شود تا با اطلاع و بصیرت کاملتری مذاکرات بعمل آید
نایب رئیس -- آقای حشمتی

حشمتی -- اهمیت موضوع این لایحه بر هیچیک از آقایان پوشیده نیست در جلسه گذشته و در این جلسه يك مذاکرانی راجع باین لایحه شد که بکلی با هم متباین بود . مثلاً یکی از نمایندگان بعد از وضع مخارج عایدات خالصه را صد و پنجاه هزار تومان تشخیص داده اند . یکی زیاد تر یکی کمتر . آقای عامری عایدات را هفتصد و پنجاه هزار تومان بعد از وضع مخارج تشخیص میدهند امروز آقای نظامی که البته يك اطلاعات عمیقی دارند خالصجات اطراف طهران را میگویند صد و نود و شش هزار تومان بعد از وضع تمام مخارج باقی پیدا میکند . با این تباینی که در اینجا ذکر شده است تصور میکنم لازم است صورت جمع و خرج و عایدات متوسطه یکساله خالصجات و صورت قیمت کلیه خالصجات بین آقایان نمایندگان محترم توزیع شود که هم در نظر بگیرند که فلان ملک خالصه است یا نیست و هم در موضوع جمع و خرجش نظریات خودشان را اعمال بفرمایند که از روی يك بصیرت کاملی مذاکره شود و اهمیتی هم ندارد زیرا تا جلسه آتی طبع و توزیع میشود

نایب رئیس -- آقای بیات .

بیات -- بنده در اصل قضیه که البته آقایان نمایندگان

بایستی مستحضر باشند و از روی استحضار رای بدهند مخالفی ندارم ولی این پیشنهاد اساساً گمان میکنم بهیچوجه من الوجوه عملی نباشد زیرا پیشنهاد کرده اند که طبع شود و تا جلسه آتی بین نمایندگان توزیع شود و البته تا اینصورت را مالیه تهیه کند و سیر اداری خودش را بکند بعد بمجلس بدهد آنوقت طبع و توزیع شود این خیلی طول میکشد از این جهت بنده عقیده ام این است که این پیشنهاد عملی نیست ولی البته ممکن است از طرف مقام ریاست بوزارت مالیه تذکر داده شود که اینصورت را هر قدر زودتر تهیه کنند و بمجلس بفرستند و در قسمت شور در مواد و شور در لایحه هم چون حالا دوشوری شد خودمان را معطل این قسمت نکنیم شور اولش را مجلس شروع کنند و مذاکراتیکه لازم است بکنند آنوقت پس از اتمام شور اول تا بخواهند شور دوم را شروع کنند چید روزی طول میکشد و در این چند روزه آنصورت برای آقایان فرستاده شود که اطلاع حاصل کنند و الا باین صورتی که آقای حشمتی پیشنهاد کرده اند بنده تصور نمیکم عملی باشد

نایب رئیس -- به نظر بنده این پیشنهاد هم در حدود پیشنهاد آقای عامری است و اساساً معتقد هستم که آقایان هم موافقت بفرمایند چون کمیسیون بودجه مرجع صلاحیت دار در این قبیل مباحثات است و هر قسم وسائل تسهیلی که لازم باشد بتوسط هیئت رئیسه ممکن است تذکر داده شود و بفرستند و در مجلس نباید مورد بحث واقع شود .

آقا سید یعقوب -- رئیس که نباید این قدر رای بدهد

عمادی -- راهمائی میکنند

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

حشمتی -- بنده میخواستم عرض کنم که روز یکشنبه

مجلس نیست و برای روز سه شنبه اینصورت را میشود

تهیه کرد و صورت هم در کمیسیون حاضر است

نایب رئیس -- رای میگیریم بورد در شور اول آقایانیکه موافقتند قیام فرمایند
(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب شد . پیشنهاد ختم جلسه شده است نظر باینکه روز یکشنبه مصادف با یکی از اعیاد رسمی است جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت قبل از ظهر منعقد خواهد شد . اگر چه در ضمن آقای بهبهانی

تقاضا کرده اند که مجلس روز شنبه تشکیل شود ولی تصور میکنم که چون کمیسیونها منعقد است و حضور در مجلس ممکن نیست بهتر این است که همان سه شنبه باشد
بهبهانی -- بنده چنین پیشنهادی نکرده ام
نایب رئیس -- علی ای حال جلسه آتی سه شنبه سه ساعت قبل از ظهر : دستور هم بقیه دستور امروز .

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)